

## انقلاب اسلامی، نظام بین‌الملل و آینده غرب

مصطفی ملکوتیان\*

### چکیده

انقلاب‌ها همواره در شکل‌دادن به نظام بین‌الملل نقش اساسی داشته‌اند. این پژوهش تلاش کرده است تا تأثیرات انقلاب اسلامی ایران - تاکنون و در آینده - بر نظام بین‌الملل و برخوردهای پرحجم و خشن دولت‌های غربی در مقابل کشور ما را بررسی و معرفی کند. نویسنده بر این باور است که انقلاب اسلامی نه تنها یکی از علل مهم فروپاشی بلوک شرق و نظام دوقطبی بوده، بلکه از پتانسیل بسیار بالایی در مقابله با غرب برخوردار بوده و توانسته است در این مقابله با سربلندی و کامیابی، جهان غرب را از حالت فعال و دارای اعتماد به نفس گذشته - یعنی غرب مهاجم و توانا - به یک وضعیت منفعل و ترسان از احتمالات نامطلوب آینده تبدیل کند.

### واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، راهبرد، نظام بین‌الملل، منافع ملی، سیطره جهانی، بلوک غرب، بلوک شرق.

\* دانشیار دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۲۵

پدیرش نهایی: ۸۹/۳/۲۰

**مقدمه**

رخداد پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م)، نه تنها به حاکمیت یک نظام پوسیده و وابسته به قدرت‌های خارجی پایان داد، بلکه نظامی مردم‌سالار آفرید که از یک سو مبتنی بر افکار عالی فرهنگی و تاریخی ملت ایران، یعنی نقش کلیدی دین در سیاست می‌باشد و از دیگر سو، بنا بر وظیفه دینی خود، مبارزه با قدرت‌های سلطه‌گر جهانی و دولت‌های وابسته به آنها و در حقیقت برهم زدن بازی سلطه جهانی از طریق افشاگری و آگاهانیدن ملت‌ها و نیز تلاش‌های علمی و پیشرفت‌های فناوری را در مرکز توجه خود قرار داده است.

این نوشتار بر آن است تا با نگاهی به تحولات و رویدادهای ۳۱ سال گذشته و مقایسه وضعیت نظام جهانی در زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آنچه که امروزه در این‌باره می‌بینیم، راهی برای شناخت احتمالات منطقی آینده نظام جهانی بگشاید.

**نظام بین‌المللی**

واژه نظام، هم برای بیان نوع نظم و ساختار داخلی کشورها کاربرد دارد و هم در بیان شرایط بین‌المللی به کار می‌رود، هرچند این دو کاربرد با هم تفاوت‌های آشکاری دارند. نظام بین‌الملل، دارای تعداد زیادی از بازیگران مستقل یا ظاهراً مستقل - دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و غیره - است که با توجه به ایدئولوژی و قدرت خود و بر مبنای تعریف خود از منافع ملی، دارای تعامل یا درگیری با یکدیگر هستند. بدین ترتیب، برخی از صاحب‌نظران مانند «مورتون کاپلان»، انواعی از نظام‌های بین‌المللی در دوره جدید مانند نظام‌های چندقطبی، دوقطبی و تک‌قطبی را بر شمرده‌اند. در نظام‌های دوقطبی و چندقطبی، استفاده از واژگانی مانند توازن قوا، جنگ سرد، تشنج زدایی (دتانگ) و غیره مرسوم است.

یکی از ویژگی‌های بارز نظام بین‌المللی در قرن‌های اخیر، سلطه استعماری دولت‌های غربی بر کشورهای جهان سوم - آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین - در نظام‌های بین‌المللی چندقطبی یا دوقطبی بوده است.

ممکن است نظام‌های بین‌المللی در اثر تغییر و تحولات سیاسی جهانی، تغییر در روابط

قدرت در سطوح منطقه‌ای و جهانی و پیدایش قدرت‌های چالش‌گر بزرگ از طریق رخداد انقلاب و غیره، دست‌خوش تغییرات در ابعاد گوناگون شده و این امر پیام‌آور یک نظم جدید مبتنی بر یک آرمان و ایدئولوژی جدید در روابط بین‌الملل است.

ممکن است یک نظام جهانی با توجه به قدرت منطق چالش‌گرانی که نقاط ضعف و آشفتگی‌های نظری و عملی اندیشه حاکم بر آن نظام را به خوبی افشا می‌کنند و خواستار جایگزینی یک نظام بهتر و کارا تر به جای نظم موجود هستند، مقبولیت خود را در افکار عمومی جهانی از دست بدهد و این امر شرایط را برای تغییر کلی نظام جهانی باز می‌کند. باید تأکید کنیم که تغییر در نظام‌های جهانی ممکن است با تحولات و الزام‌هایی آغاز شود که به پذیرش تغییر در راهبرد و سیاست دولت‌ها و بازیگران عمده نظام بین‌المللی می‌انجامد و این تغییرات در نهایت، سبب یک تغییر کلی در نظام بین‌المللی شده، نوع و شکل آن را تغییر دهد.

### راهبرد

این واژه که ابتدا در امور نظامی به کار می‌رفت و امروزه برای هر ساختار و سازمان دارای اهمیتی به‌ویژه روابط بین‌المللی به کار می‌رود، معادل کلمه «strategy» و به معنای روش و راه دستیابی به هدف یا اهداف تعریف شده است. دولت‌ها و قدرت‌های تأثیرگذار در نظام بین‌المللی برای دستیابی به اهداف پیش‌گفته، سعی می‌کنند کوتاه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه را برگزینند. راهبرد، برای یک مرحله تعریف می‌شود و ممکن است با تغییر شرایط و ورود به مرحله دیگر، دچار تغییر شود.<sup>۱</sup> راهبرد دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی با توجه به شرایط، ممکن است

---

۱. فرهنگ لغات آکسفورد، واژه راهبرد را چنین تعریف کرده است: راهبرد، برنامه‌ای است برای سر و کار داشتن با هر حرکت ممکن به وسیله بازیگران دیگر در هر مرحله‌ای از بازی (بین‌المللی).

IAIN McLEAN ,Oxford Concise Dictionary of Politics, P ۴۸۰.

جهانی و یا منطقه‌ای باشد.

توجه به دو نکته دیگر نیز لازم است:

۱. در شرایطی که موجودیت قدرت‌های جهانی، تضمین شده باشد و آنان از اقتدار بالایی برخوردار باشند، دارای راهبردهای فعال برای دست‌کاری جهانی و در شرایط ضعف و فترت، دارای راهبردهای منفعل برای تضمین موجودیت خود خواهند بود.
۲. در صورتی که تحولات و تغییراتی که تغییر در راهبرد قدرت‌ها را الزامی می‌کند، درون‌تمدنی باشد، ممکن است تغییر نظام جهانی زودتر از زمانی که چالش‌گران نظام جهانی برون‌تمدنی هستند، اتفاق بیفتد. آشکار است که در این وضعیت، تغییرات ایجاد شده به معنی ضربه فنی شدن کامل یک تمدن نخواهد بود و تنها تقسیم جدید درون‌تمدنی ایجاد خواهد کرد.

### نظام بین‌المللی در زمان رخداد انقلاب اسلامی

تا پیش از جنگ دوم جهانی، تعدادی از دولت‌های اروپایی قوی‌تر، یک نظام چندقطبی مبتنی بر استعمار قدیم پدید آورده و بر آن مسلط بودند. آنها در این نظام، کشورهای جهان سوم - آسیا، اروپا، آمریکای لاتین - را میان خود تقسیم کرده و در بیشتر موارد از طریق حضور نظامی مستقیم و به وسیله افسران خود و بدون این‌که نقشی قابل بیان به افراد بومی در اداره آن کشورها بدهند، بر آن سرزمین‌ها حکومت می‌کردند. این دولت‌های اروپایی سلطه‌گر، تقریباً تمام قاره‌های آفریقا و آمریکای جنوبی و مرکزی و بخش‌های وسیعی از قاره آسیا از جمله شبه قاره هند، آسیای غربی، خلیج فارس و شرق آسیا را در اشغال مستقیم نظامی خود داشته و بر آن حکم می‌راندند. در این شرایط، در تعدادی از کشورهای جهان سوم به دلایل فرهنگی و تاریخی، سلطه بیگانه از طریق حضور مستقیم و مداوم نظامی امکان‌پذیر نبود؛ از جمله در کشور ما به دلیل اصول مذهب تشیع، نقش علمای مذهبی در صیانت از کشور و قیام‌هایی مانند تنباکو، این مسأله ممکن نبود و لذا بیگانگان از جمله انگلیس و روسیه که دو رقیب استعماری اصلی در آن زمان و در این منطقه بودند، از سایر راه‌های استعماری از جمله

نفوذ در ساخت‌های حکومتی و دولت‌مردان، بهره می‌گرفتند.

با رخداد جنگ جهانی اول، انقلاب سال ۱۹۱۷ روسیه و سپس جنگ دوم جهانی، شرایط تغییر کرد و این حوادث، زمینه‌ساز ورود به عصر نظام دوقطبی شد که در یک طرف، آمریکا و مجموعه کشورهای غربی و در طرف دیگر، اتحاد شوروی نوظهور و اقمارش قرار داشتند. از سوی دیگر، رشد حرکت‌های رهایی‌بخش در بیشتر مناطق استعمارزده، به استعمار قدیم پایان داد و حکومت‌های مستقل یا ظاهراً مستقل پدید آمدند. در این شرایط، رقابت دو بلوک سیاسی جدید - غرب لیبرال به رهبری آمریکا و شرق کمونیست به رهبری شوروی - بسیاری از دولت‌های تازه استقلال‌یافته را به‌عنوان کشورهای اقماری و وابسته، وارد این دو اردوگاه کرد و به‌ویژه در رابطه با کشورهای وابسته به بلوک غرب، استعمار به شکلی جدید در آنها رخنه و نفوذ کرده و آنها هم‌چنان عقب‌مانده و وابسته باقی ماندند.

همزمان با جنگ سرد مسکو - واشنگتن، یک جنگ سرد دیگر، یعنی جنگ سرد مسکو - پکن نیز با شدت میان دو قدرت اصلی مارکسیستی بر سر رهبری رژیم‌های مارکسیستی جریان داشت که ناشی از اختلافات ایدئولوژیک - لنینیزم و مائوئیسم - نیز بود.

با مشخص شدن شکست آمریکا در ویتنام و رضایت آمریکا به دادن باج‌های سیاسی بزرگ به چین در قبال میانجی‌گری چین میان آمریکای شکست‌خورده و مبارزان ویتنامی و به‌ویژه پس از مرگ مائو در ۱۹۷۶ و زمانی که گروه «روشن‌فکران با رنگ و لعاب پارسی» به رهبری «تنگ شیائوپینگ» در حزب کمونیست چین قدرت را به‌دست گرفتند (که امروزه نیز این گروه در چین قدرت را در اختیار دارند)، روابط چین و غرب به خصوص در زمینه سرمایه‌گذاری غرب در بنادر آزاد اقتصادی چین مانند بندر شانگهای و با توجه به نیروی کار ارزان در چین گسترش یافت. علی‌رغم این گسترش روابط، چینی‌ها و آمریکایی‌ها از نظر راهبردی و در میان‌مدت و درازمدت یکدیگر را دشمن می‌پندارند و در آمریکا این دیدگاه وجود دارد که چین، ازدهای خفته است که نباید بیدار شود و تقسیم چین به چند دولت خوب است. بدین‌گونه در عین وجود جنگ سرد میان شرق و غرب - که مواردی مانند بحران برلین، جنگ کره و جنگ ویتنام در نقاط اوج آن قرار گرفتند - موازنه قدرت نسبتاً باثباتی میان این دو

بلوک پدیدار شد و تا زمان فروپاشی اتحاد شوروی و بلوک شرق در آغاز دهه ۱۹۹۰م ادامه یافت. کشور ما در سال‌های جنگ سرد، به دلیل غیرمردمی بودن سردمداران رژیم پهلوی و توافق غرب - شرق، به بلوک غرب و به‌ویژه آمریکا وابسته شد و بعد از شکست آمریکا در نبرد ویتنام، بر مبنای راهبرد دو ستونی نیکسون که پس از این بدان اشاره خواهد شد، به ژاندارمی این کشور گمارده شده بود و وظیفه‌ای که آمریکا برایش تعیین کرده بود، پاسداری از منافع این کشور و مجموعه غرب در منطقه و جلوگیری از ایجاد و گسترش حرکت‌های ضدغربی بود. در این شرایط، در خود ژاندارم - یعنی کشور راهبردی ایران - انقلاب اتفاق افتاد که نه یک انقلاب وابسته به بلوک مقابل، بلکه انقلابی مستقل و مخالف بازی سلطه‌گرانه شرق و غرب و برخوردار از یک ایدئولوژی نوین و حاوی یک راه جدید در اداره امور داخلی و روابط بین‌المللی بود. با توجه به مفاد و محتوای این ایدئولوژی الهی - از جمله استقلال واقعی از قدرت‌های بیگانه بر مبنای سیاست نه شرقی نه غربی، توسعه علمی، فناوری و اقتصادی با تکیه بر برنامه‌های هدف‌دار و زمان‌دار و امکانات داخلی و برقراری عدالت در روابط بین‌المللی - مشخص بود که یک چالش بزرگ و بنیان برافکن برای قدرت‌های سلطه‌گر جهانی در راه است.

#### ایران و امنیت ملی آمریکا پیش از انقلاب اسلامی

موقعیت و اهمیت راهبردی ایران در مقاطع مختلف تاریخی، سبب طمع کشورها و قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی برای نفوذ یا سلطه بر این کشور بوده است؛ زمانی به دلیل قرارگرفتن در مسیر جاده ابریشم که راه ارتباطی اروپا با مرکز و شرق آسیا بود و زمانی به علت قراردادن بر سر راه اروپا به شبه قاره هند که مدت‌ها مورد منازعه دولت‌های انگلیس، روسیه و فرانسه بود. در دوره پیش از انقلاب اسلامی نیز، به سبب وجود ذخایر عظیم انرژی در منطقه خلیج فارس و در خود ایران و قرارگرفتن آن در سراسر سواحل شمالی خلیج فارس و تنگه هرمز و نهایتاً به سبب همسایگی با اتحاد شوروی که در زمان جنگ سرد برای صدور

ایدئولوژی و انقلاب مارکسیستی تلاش می‌کرد، مورد نظر بوده است.<sup>۱</sup>

پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا با توجه به قدرت نظامی و اقتصادی خود به‌عنوان قدرت برتر، جانشین اروپایی‌ها در بسیاری از مناطق جهان از جمله خاورمیانه و ایران شد. موقعیت راهبردی و منابع غنی طبیعی ایران، آمریکایی‌ها را به سوی خود جذب کرد و جایگاه ویژه‌ای را در خط مشی‌ها و دکترین‌های امنیتی آمریکایی پیدا کرد.

در ژوئیه ۱۹۴۷م/ ۱۳۲۶ ش، «جورج کنان»، مسئول ستاد سیاست‌گذاری وزارت خارجه آمریکا در دولت «هارى ترومن» (۱۹۴۷ - ۱۹۵۳)، در مجله «فارین افیرز»، با نام مستعار «ایکس»، مقاله‌ای تحت عنوان «منشأ رفتار شوروی» نوشت که به زودی به صورت بیانیه نیمه‌رسمی سیاست خارجی آمریکا درآمد و در نهایت در «سیاست سد نفوذ آمریکا» تجلی یافت. به موجب این سیاست، به تدریج چند پیمان دفاعی زنجیره‌ای - ناتو، سیتو و سنتو - از اروپا تا آسیای جنوب شرقی در اطراف شوروی ایجاد شد که آمریکایی‌ها، ایران را نیز به عضویت حلقه میانی آن، یعنی سنتو درآوردند.

آمریکایی‌ها در جریان ملی‌شدن صنعت نفت، ابتدا برای شکستن انحصار نفتی انگلیس در ایران، از ملی‌شدن نفت ایران حمایت کردند، اما بعداً به دلیل منافع امنیتی منطقه‌ای خود و نیز اطمینان‌یافتن از این که انگلیسی‌ها سهم آنان از نفت ایران را خواهند داد، در مقابل نهضت ایستادند. اعتراض آیت‌الله کاشانی به سیاست آمریکا در اواخر دوره ترومن در این زمینه گویاست:

ما نمی‌خواهیم حکومت‌های خارجی در امور داخلی‌مان دخالت کنند... آمریکا

---

۱. ایران، حدود ۱۱۰ میلیارد بشکه ذخیره نفتی دارد که ۱۰/۴ درصد از نفت جهان و ۱۴/۴ درصد از نفت منطقه است. به علاوه، ایران با داشتن حدود پانزده درصد از ذخایر گاز، دومین دارنده منابع گاز پس از روسیه در جهان است. هوشنگ امیر احمدی، «جایگاه استراتژیک ایران در بازار جهانی نفت»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۹۸ - ۹۷، صص ۸۲ و ۸۳؛ پیروز مجتهدزاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، تهران، ۱۳۷۲، ص ۵۳؛ محمدرضا حافظ‌نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران، سمت، ۱۳۷۱، ص ۱۰۵.

باید پیروی از سیاست انگلیس را کنار بگذارد. از این کار چیزی جز نفرت مردم دنیا به طور اعم و مردم ایران به طور اخص نصیبش نخواهد شد. (بیل، شیر و عقاب: ۱۳۴)

بعد از روی کار آمدن «آیزنهاور»، چند مقام بلند پایه آمریکایی و انگلیسی، طرحی با نام «رمز آژاکس» که رهبری آن با «کرومیت روزولت» بود، تهیه کردند و سازمان سیا و اینتلجنت سرویس انگلستان برای اجرای کودتا دست به کار شدند. (گازبوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه: ۱۶۴ - ۱۶۶؛ ازغندی، روابط خارجی ایران (دولت دست نشاند): ۳۷ - ۲۴۰) بدین ترتیب، روزولت در پانزده تیر ۱۳۳۲ با نام مستعار «جیمز اف لاکریچ»، مخفیانه از مرز عراق وارد ایران شد. در دهم مرداد نیز، ژنرال «شوار تسکف» که قبلاً یک مستشار نظامی آمریکا در ژاندرمری ایران بود، وارد تهران شد. آنها در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، با همکاری عوامل داخلی دست به کودتا زدند. پس از کودتا، آیزنهاور پیام تبریکی به محمدرضا شاه فرستاد و به سرعت به تقویت نظامی، سیاسی و اقتصادی دولت زاهدی پرداخت.

راهبرد نگاه نو آیزنهاور که در نوامبر ۱۹۵۳/م ۱۳۳۲ش تدوین شد، تأکید زیادی بر کشورهای پیرامون شوروی از جمله ایران داشت. از دیدگاه آمریکایی‌ها، جایگاه ایران در خط شمالی خاورمیانه، موقعیت این کشور را برای دفاع از این منطقه و دفاع مقدم از منطقه مدیترانه و به عنوان پایگاهی برای حمله هوایی یا زمینی به درون شوروی حیاتی می‌ساخت. منابع نفت ایران و دیگر کشورهای خلیج فارس نیز برای بازسازی اروپای غربی و تواناساختن غرب برای دوام آوردن در یک جنگ طولانی، نقش حیاتی داشتند؛ بنابراین، حکومت آیزنهاور، ایران را دارای اهمیت تعیین کننده برای امنیت ملی آمریکا خواند.

آیزنهاور در ۲۳ آذر ۱۳۲۸ (۱۴ دسامبر ۱۹۵۹) در دیدار ۶ ساعته از ایران، سه بار بر نقش

راهبردی ایران در حفظ ثبات منطقه تأکید کرد. (ازغندی، همان: ۲۷۹)



تلاش آمریکا برای سهم‌شدن در نفت ایران با قرارداد «هواردپیچ و امینی»<sup>۱</sup> در ۲۸ شهریور ۱۳۳۳، که بین دولت ایران و کنسرسیوم بین‌المللی نفت در تهران امضا شد، به ثمر نشست. بر اساس این قرارداد، چهل درصد از سهام به شرکت‌های انگلیسی، چهل درصد به شرکت‌های آمریکایی، چهار درصد به شرکت رویال داچ شل (هلندی - انگلیسی) و شش درصد به شرکت نفت فرانسه داده شد. اما دولت ایران تلاش کرد این بخشش منابع ملی را یک پیروزی و حتی گذاردن کلاه بر سر آمریکا و انگلیس بخواند. زاهدی، نخست وزیر کودتا، در جلسه مشترک هیأت دولت و رؤسای دو مجلس، به صورت خنده‌داری از قرارداد دفاع کرد و گفت که دولت ایران، سر انگلیس و آمریکا کلاه گذاشته؛ زیرا تا هفت - هشت سال دیگر، نیروی اتمی جای نفت را می‌گیرد و ذخایر نفت ایران بی‌مصرف خواهد ماند و بنابراین در این ده ساله هر چه از کنسرسیوم بگیریم، وجهی بازیافتی است. (مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱: ۳۱۰)

از سوی دیگر، در فوریه ۱۹۵۵ م/ بهمن ۱۳۳۴ ش، پیمان بغداد، تحت عنوان قرارداد همکاری عراق و ترکیه با حمایت آمریکا و انگلیس امضا شد. به زودی پاکستان و سپس ایران نیز بدان پیوستند. این پیمان پس از وقوع کودتای سال ۱۹۵۸ در عراق و خروج این کشور از آن، به پیمان مرکزی یا سنتو تغییر نام داد.

«جان. اف. کندی» از حزب دموکرات آمریکا، از ژانویه ۱۹۶۱ تا نوامبر ۱۹۶۳ که در این سال ترور شد، رئیس‌جمهور این کشور بود و سپس جایش را به «لیندون جانسن» داد. در خط مشی کندی، تأکید بر اصلاحات از بالا برای جلوگیری از وقوع انقلاب در جهان سوم و مسابقه تسلیحاتی گسترده با اتحاد شوروی دیده می‌شد. ایران نیز در فهرست کشورهای قرار داشت که باید اصلاحات مورد نظر آمریکا را اجرا می‌کرد. کندی در دکترین خود از مشاوران امنیتی‌اش «والت ویتمن» و «روستو» و نظریه توسعه او الهام می‌گرفت. روستو در کتاب خود این جملات را آورده بود: «هم‌اکنون که این رساله را در دست تألیف دارم، نه به آمریکا، بلکه

---

۱. امینی، وزیر دارایی کابینه زاهدی و هوارد پیچ، رئیس گروهی بود که نمایندگی کمپانی‌های نفتی را برعهده داشت.

به جاکارتا، رانگون، دهلی نو، کراچی، تهران، بغداد و قاهره می‌اندیشم». (گازبوروسکی، همان: ۱۶۹ و ۱۷۰)

محمدرضا شاه در ابتدا در مقابل درخواست آمریکا برای انجام اصلاحات ایستادگی می‌کرد. او معتقد بود که با قدرت پلیس و سازمان اطلاعاتی می‌توان هر حرکتی را از بین برد. وی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با ارسال کمک‌های مالی قابل توجهی به صندوق انتخاباتی نیکسون - رقیب کندی - از او حمایت کرده بود. (فونتن، یک بستر و دو رؤیا: ۱۷۴) سرانجام، اصرار کندی سبب شد که دکتر علی امینی که به طرفداری از آمریکا شهرت داشت، به نخست وزیری معرفی شود. از آن پس، رفت و آمدهای زیادی بین مقامات دو کشور در خصوص ادامه اصلاحات صورت می‌گرفت. از جمله در فروردین ۱۳۴۱، شاه به آمریکا سفر کرد. آمریکایی‌ها که از همکاری محمدرضا شاه با آنها در اجرای اصلاحات ارضی راضی به نظر می‌رسیدند، دست او را در انتخاب نخست وزیر بازگذارند و او یار مطمئن خویش، اسدالله علم را به نخست وزیری برگزید و بدین ترتیب، اجرای اصلاحات ارضی، تدوین لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح و اجرای اصول «انقلاب سفید» به دنبال درخواست آمریکایی‌ها انجام شد.

بعد از ترور کندی، جانشین او جانسن نیز به موضوع اهمیت ایران در کسب منافع ملی و امنیتی آمریکا توجه زیادی داشت. احیای کاپیتولاسیون - مصونیت کنسولی نظامیان آمریکایی مقیم ایران و خانواده‌هایشان - که با واکنش شدید امام خمینی + مواجه و سبب تبعید طولانی مدت ایشان شد، در همین زمان (۱۳۴۱) صورت گرفت.

پس از جانسون، ریچارد نیکسون از حزب جمهوری خواه از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ رییس جمهور آمریکا بود و در این سال به دنبال رسوایی «واترگیت» استعفا داد. قبل از به قدرت رسیدن او، تحولات بین‌المللی مهمی اتفاق افتاده بود که تغییر عمده‌ای را در راهبرد امنیتی آمریکا به دنبال داشت. از جمله این تحولات، درگیری و شکست رسوای آمریکا در جنگ ویتنام و نارضایتی مردم آمریکا از شرکت آمریکا در آن جنگ، پیروزی‌های بزرگ نهضت‌های

رهای بخش در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، دستیابی شوروی به بمب اتمی و تصمیم انگلیس به خروج از شرق سوئز تا سال ۱۹۷۱ بود. به علاوه مجتمع‌های نظامی - صنعتی آمریکا برای فراهم آوردن زمینه صدور تسلیحات به دولت فشار می‌آوردند. اما یکی از مهم‌ترین این موارد، شکست آمریکا در جنگ ویتنام<sup>۱</sup> بود.

نیکسون در ۲۲ ژوئیه ۱۹۶۹ در راه سفر به فیلیپین در جزیره گوام، دکترین خود را اعلام کرد:

گمان می‌کنم وقت آن رسیده باشد که ایالات متحده در زمینه مناسباتش با کشورهای آسیایی به دو نکته توجه کند: اولاً، ما به همه تعهدات قراردادی خود احترام خواهیم گذاشت؛ ثانیاً، تا جایی که مربوط به مسائل امنیت داخلی و مسائل دفاع نظامی باشد - صرف‌نظر از تهدید از جانب یک دولت بزرگ که مسلماً منجر به توسل به سلاح هسته‌ای خواهد شد - دولت آمریکا، ملل آسیایی را تشویق می‌کند که مسائل امنیت داخلی و دفاعی را بین خودشان حل و فصل کنند و انتظار دارد که خودشان این مسئولیت را به عهده بگیرند. (کیسینجر، سیاست خارجی آمریکا: ۵ - ۷)

۱. پس از شکست فرانسویان در «دین بین فو» در ۱۹۵۴م و کسب استقلال ویتنام شمالی و خروج فرانسوی‌ها از ویتنام، آرام آرام آمریکایی‌ها وارد ویتنام جنوبی شدند تا از طریق نبرد نظامی و تبلیغاتی که «نبرد روانی علیه قلب‌ها و اذهان ویتنامی‌ها» نام گرفت، از سلطه مبارزان بر ویتنام جنوبی و شبه جزیره هندوچین جلوگیری کرده و از گسترش نفوذ رقبای کمونیست خود در این منطقه ممانعت کنند. اما همراهی مردم با مبارزان ویتنام جنوبی و همراهی دولت‌های روسیه شوروی و چین با آنها، آمریکایی‌ها را با شکستی تلخ مواجه ساخت. آنان هرچند حدود ۹۰۰۰۰۰ نفر از مردم ویتنام جنوبی، ۴۰۰۰۰۰ نفر از مردم ویتنام شمالی و صدها هزار نفر از مردم در کامبوج و لائوس را به قتل رساندند، اما خود نیز علاوه بر خسارات مادی زیاد، حدود ۵۱۰۰۰ نفر کشته دادند و در پایان، تن به شکستی رسوا و تعیین‌کننده در مسیر تحولات بعدی دادند.

برای مطالعه جنگ ویتنام به ویژه روش‌های تبلیغاتی آمریکا در این جنگ بنگرید به: رابرت دبلیو. چندلر، یورش‌های تبلیغاتی آمریکا در جنگ ویتنام، ترجمه مصطفی ملکوتیان، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، صفحات مختلف.

وی در سخنرانی‌های بعدی خود نیز تکرار می‌کرد که آمریکا به کشورهای دیگر کمک خواهد کرد تا قادر باشند از خودشان دفاع کنند. (هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، ۱۳۰۰ - ۱۳۵۷: ۴۶۸ و ۴۶۹)

بر اساس دکترین جدید، آمریکا دیگر در جنگ‌های محدود در اطراف شوروی مانند جنگ ویتنام شرکت نکرده، مسئولیت دفاع را به خود کشورها واگذار و بدین منظور آنان را به انواع سلاح‌های پیشرفته غیراتمی مجهز می‌کرد و بدین ترتیب هم باعث رونق کارخانه‌های اسلحه‌سازی آمریکا می‌شد و هم از بدنامی شکست در جنگ‌ها و نیز از تلفات انسانی و مادی این امر دور می‌ماند.

در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، نیکسون و وزیر خارجه‌اش کیسینجر، برای دفاع از منافع ملی و امنیتی آمریکا، بر رژیم شاه در ایران دست گذاشتند و آن را به صورت ژاندارم آمریکا درآوردند؛ البته، ایران به‌عنوان ستون نظامی و عربستان سعودی به‌عنوان ستون مالی این دکترین در منطقه در نظر گرفته شدند.<sup>۱</sup>

تعدادی از علل مربوط به انتخاب ایران به‌عنوان ستون نظامی «راهبرد دو ستونی» عبارت بودند از:

۱. مرزهای طولانی ایران و شوروی.
۲. عضویت ایران در پیمان سنتو که حلقه میانی پیمان‌های دفاعی زنجیره‌ای غرب در اطراف شوروی بود.
۳. موقعیت جغرافیایی ایران که در سراسر سواحل شمالی خلیج فارس و تنگه هرمز قرار داشت.

---

۱. بر اساس گزارش کمیته خارجی سنای آمریکا، بودجه نظامی ایران از ۸۸۰ میلیون دلار در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) به ۳۶۸۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) و ۹۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷) جهش کرد.  
Shahin Mossavar Rahmani, The Iranian Revolution and it's Theoretical Implecations, pp110-111.

۴. جمعیت زیاد ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه (به‌طوری که از ۵۵ میلیون نفر جمعیت منطقه حدود ۳۵ میلیون نفر در ایران بودند).

۵. رژیم شاه تنها متحد مورد اعتماد اسرائیل در منطقه بود.

۶. خصوصیات شخصی بلند پروازانه محمدرضا شاه.

«جیمی کارتر» از حزب دموکرات، آخرین رییس جمهور آمریکا تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود. کارتر، برای ایجاد چهره‌ای مثبت از آمریکا و زدودن آثار مداخلات این کشور در جهان و تقویت و ایجاد ثبات در کشورهای وابسته به آمریکا، با ایده «حقوق بشر» پا به میدان گذاشت. در رابطه با رژیم استبدادی و وابسته محمدرضا شاه، حتی به قول خود نویسندگان آمریکایی مانند «نیک کی کدی»، آمریکا هیچ‌گاه به صورت جدی تهدید نکرد که اگر محمدرضا شاه، حقوق بشر را رعایت نکند، تنبیه یا تحریم تسلیحاتی و غیره خواهد شد؛ هر چند شاه تا حدی ترسیده و به صورت کنترل‌شده و گزینشی، گام‌هایی در ایجاد فضای باز برداشت. همچنین در زمان کارتر قراردادهای جدیدی در زمینه خریدهای تسلیحاتی گسترده بین ایران و آمریکا امضا شد. کارتر نیز همانند رؤسای جمهور پیشین، به اهمیت ایران برای منافع ملی تأکید می‌کرد. وی در دی‌ماه ۱۳۵۶ در سفر به تهران، ایران را «جزیره ثبات در یکی از پرآشوب‌ترین نقاط دنیا» خواند و گفت در مسایل مربوط به امنیت نظامی، دیدگاه‌های ما با هیچ کشوری به اندازه ایران نزدیک نیست. (روزنامه‌های ۱۰ و ۱۱ دی‌ماه ۱۳۵۶ زونیس، شکست شاهانه: ۳۷۴)

در زمان وقوع انقلاب اسلامی، هر دو گروه حاضر در کاخ سفید، یعنی گروه «سایروس ونس»، وزیر خارجه که سیاست‌های ملایم‌تر را تجویز می‌کرد و گروه «برژنیکسکی»، مشاور امنیت ملی کارتر که ایستادگی و برخورد قاطع با انقلابیون را تأکید می‌کرد، بر منافع ملی و امنیتی آمریکا نظر داشتند و توصیه‌های خود را با هدف حفظ ایران در دستان آمریکا ارایه می‌دادند.

اما آمریکا به دلایل متعدد، نتوانست از پیروزی انقلاب اسلامی جلوگیری کند.

تحلیل گران، علت شکست آمریکا را ضعف اطلاعاتی سازمان سیا درباره ایران، درگیری آمریکا در مسأله کمپ دیوید، سیاست حقوق بشر کارتر و غیره دانسته‌اند. (تائب، مجموعه مقالات سمینار انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ج ۲، ۳۰۱ - ۳۰۳) اما به نظر نگارنده، مهم‌ترین عامل شکست آمریکا را باید در نوع خاص انقلابی که در ایران رخ داد، جستجو کرد. انقلاب‌هایی که تا اواسط دهه ۱۹۷۰م، اتفاق می‌افتادند، همگی دارای ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی یا مارکسیستی و به قول «هانا آرنه» در کتاب «انقلاب»، دنیوی بودند. (آرنه، انقلاب: ۳۲) آمریکایی‌ها بر این عقیده بودند که ساواک می‌تواند همه مخالفان ناسیونالیست یا مارکسیست را جارو کند، اما ماهیت دینی انقلاب اسلامی و روش‌های خاصی که در رهبری و سازماندهی آن به کار رفت، سبب شد اکثریت قریب به اتفاق مردم، وارد صحنه شده و با شرکت در اعتصابات و تظاهرات خیابانی به انقلاب سرعتی خیره‌کننده بخشند و هرگونه ابتکار عملی را از آمریکا و رژیم وابسته شاه سلب‌کنند. آمریکایی‌ها در پایان به میانه‌روها در دولت موقت، دل خوش کردند، اما سقوط این دولت نیز، امید آنها را تبدیل به یأس کرد.

### انقلاب اسلامی و فروپاشی بلوک شرق

هرچند موضوع این مقاله، تأثیر انقلاب اسلامی در ایجاد تزلزل در بلوک غرب است، اما اشاره‌ای به نقش انقلاب اسلامی در فروپاشی بلوک شرق که به معنی فروپاشی نظام دوقطبی حاکم بر جهان تا اوایل دهه ۱۹۹۰م نیز هست، لازم می‌باشد.

در تحلیل موضوع فروپاشی بلوک شرق کمونیست، می‌توان به علل و عوامل زیادی اشاره کرد و این واقعه تاکنون بررسی‌های زیادی را شاهد بوده است. انقلاب اسلامی و بازتاب‌های منطقه‌ای و جهانی آن، یکی از مهم‌ترین این علل بوده است. انقلاب اسلامی حداقل از سه طریق در فراهم کردن زمینه‌های فروپاشی بلوک شرق تأثیر داشته است:

۱. انقلاب اسلامی، طلیعه نقش‌آفرینی دین در عرصه سیاسی و اجتماعی در دنیای موجود شده، فلسفه وجودی رژیم‌های مارکسیستی که بر چهره آنها مهر ضدیت با دین نقش بسته بود را عملاً زیر سؤال برد. حاکمان این رژیم‌ها با وقوع این انقلاب و بازتاب‌های آن

در کشورهايشان - به‌ویژه در قسمت‌های مسلمان‌نشین اتحاد شوروی و سایر کشورهای بلوک شرق - این نکته مهم را دریافتند که نه تنها سالیان طولانی مبارزه با دین نتوانسته مردم را از دین جدا کند، بلکه با وقوع انقلاب اسلامی در کالبد ملت‌های دین‌دار در این مناطق، روح تازه‌ای دمیده شده و زنگ‌های خطر برای آنان به صدا در آمده است.

۲. انقلاب اسلامی، باعث پیدایش یا فعال‌شدن اصولگرایی اسلامی در میان مسلمانان و جهان اسلام شد و بدین وسیله، جای پای روس‌ها و بلوک شرق در نقاط مختلف را به شدت تضعیف کرد. تا پیش از رخداد انقلاب اسلامی، روس‌ها و بلوک شرق، به‌ویژه در کشورهای اسلامی، احزاب و گروه‌های مبارز مارکسیستی بی‌شماری در اختیار داشتند که حامی آنها بوده و امیال این بلوک را اجرا می‌کردند. انقلاب اسلامی، احزاب، جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی را در نقاط مختلف، جایگزین گروه‌های مارکسیستی کرده، قدرت و آرزوهای جهانی این بلوک را بر باد داد.

۳. تجربه تاریخی نشان داده است که روس‌ها در زمان جنگ، توان مدیریتی‌شان به شدت کاهش می‌یابد و بسیار آسیب‌پذیرند. نمونه آن، وقوع انقلاب سال ۱۹۱۷ روسیه بعد از شکست در جنگ جهانی اول است. مداخله نظامی روسیه در افغانستان که اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با هدف جلوگیری از گسترش امواج این انقلاب در افغانستان که دروازه آسیای مرکزی است، صورت گرفت، برای روس‌ها نتیجه عکس داد؛ زیرا مجاهدین افغانی با الهام از انقلاب اسلامی به مقابله متهورانه با روس‌ها پرداختند. این نبرد، طولانی و به زخم چرکین روس‌ها تبدیل شد و آثار زیادی از خود بر جای گذارد؛ از جمله:

الف) باعث پذیرش شکست سنگین از نوع شکست آمریکا در ویتنام شد که حیثیت روس‌ها و رژیم‌های مارکسیستی - که خود را انقلابی و طرفدار ملل تحت استعمار غرب به حساب می‌آوردند - را در جهان بر باد داد.

ب) موجب تأثیر مجاهدین افغانی - که خود تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته بودند - بر روی نظامیان مسلمانی که از آسیای مرکزی و قفقاز به افغانستان آورده می‌شدند گردید و

این تأثیر با بازگشت آنها به شوروی، به جامعه آن کشور منتقل شده و گسترش می‌یافت. (ج) سبب ایجاد هزینه‌های گزاف نبرد و ناتوانی اتحاد شوروی در برآورده کردن آنها شد؛ زیرا همزمان یک رقابت تسلیحاتی گسترده و بسیار هزینه‌بر میان دو بلوک جریان داشت. همه اینها، تنها در چند سال منتهی به فروپاشی اتحاد شوروی و بلوک شرق مارکسیست رخ داد و بدون تردید از دلایل فروپاشی بوده است.

هر چند پس از فروپاشی اتحاد شوروی و بلوک شرق مارکسیست، آمریکا تلاش زیادی کرد تا یک نظام جهانی تک‌قطبی با ویژگی قدرت مسلط نظامی، سیاسی و اقتصادی این کشور بر جهان حاکم کند، اما سیاست‌مداران آمریکایی به زودی دریافتند که نه تنها استقرار چنین نظامی امکان‌پذیر نیست، بلکه شرایط بین‌المللی جدید و تغییرات در عرصه جهانی، در حال درگیر ساختن غرب در چالش‌های بزرگ در ایدئولوژی و قدرت منطق است.

### انقلاب اسلامی و آینده غرب

تلاش‌های پیاپی غرب و به‌ویژه آمریکا در سال‌های گذشته علیه ایران اسلامی، برای هیچ‌کس شکی باقی نمی‌گذارد که این کشورها از اتفاقی در آینده هراس دارند و در تلاشند آن اتفاق نیفتد. دلایل این برداشت فراوانند.

حجم بسیار گسترده تبلیغات رسانه‌های غربی، به‌ویژه آمریکایی علیه ایران انقلابی - به‌گونه‌ای که کمتر کشور یا موضوعی تاکنون در این حد و اندازه مورد هجوم این کشورها قرار گرفته است - بازگوکننده همین امر است. در این راستا، آنان از هر وسیله و امکانی استفاده می‌کنند و آشکارا از کمک‌های اقتصادی به گروه‌های ضدانقلاب سخن می‌گویند و یا خود مستقیماً به راه‌اندازی رسانه‌ها و وسایل تبلیغاتی از قبیل تلویزیون‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی می‌پردازند. در این رابطه، هم‌نواشدن این رسانه‌ها با یکدیگر که در کشورهای مختلف و به‌وسیله مراکز ظاهراً متفاوت اداره می‌شوند و تمرکز همزمان آنها روی موضوعات و سوژه‌های تبلیغاتی واحد و همکاری در واژگونه نشان دادن واقعیت‌ها و



بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی‌های هدف‌دار آنها، دلیلی بر احساس ترس و ضعف و ذبونی غرب و غالب‌شدن تصویری نامطلوب از آینده خود در اذهان دولت‌مردان غربی است.

هرچند که دولت‌ها و ملت‌های دیگری نیز در جهان با سلطه‌گری و یک‌جانبه‌گرایی‌های آمریکا و سایر کشورهای غربی مخالفت می‌کنند، اما ایران انقلابی به‌عنوان استوارترین معارض این دولت‌ها ظهور کرده و غرب از این که بتواند با دادن امتیاز و معامله با ایران کنار بیاید - امری که در رابطه با دولت‌های دیگر در سال‌های گذشته بارها دیده شده - ناامید شده است. امروزه، جهان غرب، مسیر بهره‌گیری از تحریم‌های سازمان ملل و حتی تحریم شرکت‌هایی که مرادوات خاص و تعریف‌شده‌ای داشته باشند را تنها در مقابل ایران تعقیب می‌کند و در این زمینه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. هرچند که به‌دلیل شرایط جهانی و آگاهی دولت‌ها از اهداف غرب و تعارض‌های راهبردی منافع آنها با منافع غرب، راه استفاده از تحریم علیه ایران برای غرب چندان هموار نبوده و علی‌رغم تصویب چهار قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل، آنان نتوانسته‌اند پیشرفت قابل توجهی در این امر داشته باشند.

در پاسخ به این سؤال که آنان واقعاً از چه در هراسند، حداقل سه دسته از عوامل - به ترتیب زمانی و پیدایش و با تأکید بر تداوم نقش‌آفرینی همه این عوامل، به‌ویژه عامل دوم - قابل بیان هستند:

الف) نتایج از دست دادن یک کشور راهبردی - ایران - در یک منطقه بسیار راهبردی نفت‌خیز، یعنی خاورمیانه و خلیج فارس که می‌توان آن را «هارتلند» یا قلب جهان معاصر نامید؛ از جمله از دست دادن رژیم محمدرضا شاه، فروپاشی پیمان‌های منطقه‌ای سنتو و سیتو و ایجاد خلأ قدرت برای غرب در منطقه و در نتیجه، فراهم‌شدن زمینه رشد حرکت‌های استقلال‌خواهی، اسلام‌گرا و ضدغربی، تهدیدات جدی امنیتی برای رژیم صهیونیستی و غیره که بخشی از نتایج، تاکنون اتفاق افتاده و بخشی مهم‌تر می‌تواند در آینده به‌وقوع بپیوندد. به‌دلیل همین اهمیت و موقعیت راهبردی، ایران در جنگ جهانی دوم، نقش بسیار مهمی در پیروزی متفقین بازی کرد و پس از پایان جنگ نیز، غرب با در اختیار داشتن ایران و حضور در این کشور، تا حدود زیادی خیالش از حرکت‌های ضدغربی در منطقه آسوده بود.

ب) ماهیت، ایدئولوژی و بازتاب انقلاب اسلامی که بر خلاف ایدئولوژی‌های تک‌بعدی در سایر انقلاب‌های معاصر مانند تأکید بر لیبرالیسم در انقلاب فرانسه، سوسیالیسم در انقلاب روسیه، ناسیونالیسم در انقلاب الجزایر و غیره بوده است. ایدئولوژی انقلاب اسلامی به دلیل دینی بودن، از ابعاد گوناگون خداپرستی و ایمان، استقلال، برابری، آزادی و توسعه همه‌جانبه برخوردار است. این امر که بیان‌گر ارائه یک راه جدید در اداره کشورها و روابط خارجی آنهاست، توانسته در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طرفداران بی‌شماری از توده‌های مردم تا نخبگان - حتی نخبگان سیاسی و در رأس قدرت - در سراسر جهان بیابد. این امر، چالش‌های جدی در نقاط مختلف جهان برای غرب ایجاد کرده و به مرور زمان، بر شدت آن افزوده شده است.

بدین ترتیب، ماهیت، ایدئولوژی و رهبری انقلاب اسلامی توانسته است در نقاط مختلف جهان، به‌ویژه جهان اسلام، حرکت‌های اصول‌گرایی اسلامی پدید آورده یا حرکت‌های منفعل قبلی را فعال سازد. نگاهی به ظهور و حضور جنبش‌های اسلامی در فلسطین (از جمله جهاد اسلامی و حماس)، لبنان (حزب‌الله)، ترکیه (احزاب اسلام‌گرای میانه‌رو مانند رفاه، فضیلت و عدالت و توسعه)، عراق (مانند مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و حزب الدعوة الاسلامیه)، شمال و مرکز آفریقا (از جمله جبهه نجات اسلامی الجزایر و سازمان‌های اسلامی در مصر)، آسیای مرکزی، قفقاز، آسیای جنوبی (از جمله سازمان‌های اسلامی در پاکستان، افغانستان و کشمیر)، خلیج فارس (از جمله سازمان‌های اسلام‌گرا در بحرین، عربستان و کویت)، آسیای جنوب شرقی و غیره، این واقعیت را نشان می‌دهد.

در این میان، پیدایش برخی از این حرکت‌ها، برای غرب و وابستگانش، خردکننده بوده است، مانند ظهور حرکت‌های اسلامی در فلسطین<sup>۱</sup>، لبنان، ترکیه<sup>۱</sup> و شمال آفریقا. غرب،

---

۱. در مورد تأثیرات سریع و اولیه پیروزی انقلاب اسلامی بر حرکت مردم فلسطین، روزنامه القبس در اواخر سال ۱۳۵۸ گزارش داد که صدها تظاهرکننده در شهرهای غرب اسرائیل و نوار غزه با شعارهای الله‌اکبر به مکان‌های فروش مشروبات الکلی و سینماها حمله کردند. همچنین، در اثنای یک مسابقه فوتبال، تماشاچیان به هنگام

به دلیل گره‌زدن سرنوشت خود به سرنوشت رژیم صهیونیستی در سالیان طولانی گذشته، با مشاهده شکست‌های پیاپی این رژیم از گروه‌های اسلام‌گرای تحت تأثیر انقلاب اسلامی – مانند حزب‌الله لبنان، جنبش جهاد اسلامی فلسطین و جنبش مقاومت اسلامی «حماس» – آینده پر چالش و بسیار نامطمئنی را برای خود می‌بیند.

ج) مسأله ایران‌هراسی، که امروزه غرب در تبلیغات جهانی خود تعقیب می‌کند و جهانیان را از این مسأله می‌ترسانند که ایران در حال دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است و یا به‌زودی موشک‌های بالستیک ایرانی قادر خواهد بود اروپا و سپس آمریکا را هدف قرار دهد، بسیار هدف‌دار و حساب‌شده است. غرب، خوب می‌داند که خود اوست که منبع اصلی سلاح‌های هسته‌ای و تهدید جهانی است و سلاح‌های یک کشور نمی‌تواند تهدیدی برای این همه دولت‌های تا دندان مسلح باشد و این سلاح‌ها، تنها به‌منظور بازدارندگی و نابودی مهاجمان به کشور استفاده خواهد شد. دلیل تعقیب ایران‌هراسی توسط غرب را علاوه بر دو

---

شعاردهی علیه دسته اسرائیلی شرکت کننده، شعار خمینی خمینی می‌دادند. (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۱۲/۸). در زمینه الهام‌گیری فلسطینی‌ها از انقلاب اسلامی، یکی از اعضای رهبری سازمان جهاد اسلامی فلسطین در سال ۱۳۶۶ در مصاحبه‌ای گفت: «پیروزی اسلام در ایران، ما را مقاوم‌تر می‌سازد، ما در بیانیه‌ها و نشریات خود بر محور تهران – قدس تأکید کرده‌ایم؛ محوری که به زودی آمریکا و اسرائیل را از منطقه بیرون خواهد کرد. وی ادامه داد که ترور افسر امنیتی اسرائیل به نام روزنتال به‌عنوان هدیه‌ای به روح شهدای مکه انجام شد تا بر همبستگی مبارزات مردم فلسطین و ایران تأکید کنیم». کیهان، ۱۳۶۶/۱۲/۱۰.

۱. تأثیربخشی انقلاب اسلامی بر کشور ترکیه از زمان پیروزی انقلاب دیده شده است. ژنرال «کنعان اورن»، هدف از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ در ترکیه را متوقف کردن روند رو به گسترش اسلام‌گرایی دانست و گفت اگر این آتش به موقع خاموش نشود، ممکن است سراسر کشور را فراگیرد. ارتش ترکیه در مقابل پیروزی حزب اسلام‌گرای رفاه به رهبری نجم‌الدین اربکان نیز ایستاد و نهایتاً دادگاه عالی ترکیه آن حزب را منحل کرد. اکنون مجدداً اسلام‌گرایان قادر شده‌اند در قالب حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان تشکیل دولت داده و پست ریاست جمهوری را نیز به‌دست آورند. گروه‌های اسلام‌گرا تاکنون خط‌مشی‌های متفاوتی را در ترکیه از خود نشان داده‌اند. برای مطالعه اندیشه‌های فتح‌الله گولن و دیدگاه گروه‌های اسلام‌گرای دیگر نسبت به آن رجوع کنید به: بولنت ارس و عمر کاهان، «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌الله گولن»، ترجمه سید اسدالله اطهری، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۴ و شماره مسلسل ۳۲، زمستان ۱۳۸۱، صص ۵۹ – ۸۲.

مورد بیان شده، باید در جای دیگری نیز یافت:

حقیقت این است که اگر از میان ویژگی‌های غرب، توسعه علمی و فناوری را جدا کنیم، از غرب چیز با ارزشی باقی نخواهد ماند. سلطه غرب بر سرزمین‌های دیگر تا حد زیادی از طریق پیشرفت علمی ایجاد شده است. غرب، رفاه خود را مدیون فروش کالاها و اقلام صنعتی به دیگران است. یکی از اهداف انقلاب‌های معاصر و به‌ویژه انقلاب اسلامی ایران، استقلال و در سایه آن رشد و توسعه علمی و فناوری بوده است و پیشرفت‌های علمی در کشور ما بر همگان آشکار است. ما توانسته‌ایم به برکت استقلال ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی، به خوبی وارد روند رشد و توسعه علمی - فناوری شده و در بسیاری از زمینه‌ها مانند فناوری فضایی، نانو، لیزر، تسلیحات، پزشکی، هسته‌ای و غیره، دستاوردهای غیرقابل انکاری داشته باشیم.

پیشرفت‌های علمی - فناوری ایران از دو جهت برای غرب خطرناک است:

۱. ایران می‌تواند برای جهانیان به الگویی از پیشرفت بر مبنای استقلال تبدیل شده و راه را برای تعقیب این امر در کشورهای دیگر باز کند.

۲. ایران می‌تواند دستاوردهای علمی خود را بدون چشم‌داشت، در اختیار ملت‌ها و کشورهای جهان سوم قرار دهد. طبیعی است که این امر می‌تواند به سرعت مورد استقبال این کشورها قرار گیرد.

هر دو مورد، برای غرب و آینده آن خطرناک خواهد بود؛ زیرا می‌تواند در اهرم اصلی نفوذ غرب در جهان، یعنی سیطره از راه علم و فناوری خلل ایجاد کند و صدها و هزاران میلیارد دلار که سالیانه از این طریق به اقتصاد غرب تزریق و سبب شکوفایی و رونق این کشورها می‌شود را دریغ دارد.

### ناکامی رؤسای جمهور مختلف آمریکا در قبال ایران پس از انقلاب

مروری بر دکترین‌ها و راهبردهای دولت‌های غربی، به‌ویژه رؤسای جمهور آمریکا پس از انقلاب اسلامی، به خوبی ناکامی‌های پیاپی آنان را در رابطه با ایران نشان می‌دهد. آنان، انواع

فشارها و تحریم‌ها را علیه ایران انقلابی اعمال کرده، ولی نتوانسته‌اند به اهداف راهبردی خود دست یابند. در این رابطه این موارد فراموش شدن نیستند:

۱. در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا برای مقابله با ایران به تشکیل نیروهای واکنش سریع پرداخت (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مجموعه مقالات سمینار بررسی خلیج فارس: ۸۱)، دست به محاصره اقتصادی ایران و به‌راه انداختن کودتای نافرجام نوژه زد،<sup>۱</sup> حمله شکست‌خورده به طیس<sup>۲</sup> را به‌راه انداخته و محرک عراق در آغاز جنگ تحمیلی شد.<sup>۳</sup> آمریکا در همه این تلاش‌ها، شکست خورد و این شکست‌ها، راه را برای گسترش اصول‌گرایی اسلامی در جهان هموار کرد. یکی از دلایل اصلی رأی نیاوردن کارتر در دوره دوم کاندیداتوری‌اش نیز، شکست‌های پیاپی سیاست‌های آمریکا در قبال ایران بود.

۲. در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان، آمریکا در رابطه با دو دولت انقلابی ایران و نیکاراگوئه، راهبرد جنگ خفیف، یعنی جنگی همه‌جانبه - اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی و فرهنگی - را به‌راه انداخته، شدیدترین تلاش‌ها را علیه این دو دولت انجام داد و هرچند توانست به دلیل برخی مشکلات نیکاراگوئه، زمینه را به صورت موقت برای پیشروی

---

۱. برای ملاحظه نقش آمریکا در طرح ریزی کودتای نوژه رجوع کنید به: کودتای نوژه، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸، صفحات ۳۷ و ۱۰۸ و ۱۱۵.

۲. در حمله نظامی آمریکا به طیس، ۱۱۸ آمریکایی مجهز به شش فروند هواپیما، هشت فروند هلی‌کوپتر و مسلسل‌های دستی و موتورسیکلت شرکت داشتند. در این واقعه، هشت آمریکایی کشته شدند که با تلاش بورگه و ویلالون - که به وکلای فرانسوی مشهور بودند و مرتب با قطب‌زاده تماس داشتند - به آمریکا منتقل شدند. چارلی بکویت، نیروی دلتا، ترجمه رضا فاضل زرنندی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۵، صص ۱۰۳ - ۱۴۱؛ یوسف مازندی، ایران ابر قدرت قرن؟، به کوشش عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، ۱۳۷۳، صص ۱۳ - ۱۶.

۳. برای مطالعه نقش آمریکا در آغاز جنگ عراق علیه ایران رجوع کنید به: منوچهر محمدی، «علل و عوامل بروز جنگ تحمیلی»، جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات)، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد، صفحات ۹ و ۱۵۱؛ روابط پنهانی ایالات متحده و عربستان سعودی، اسلحه، نفت، عراق، ایران، ترجمه بهمن همایون، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره ۷۲ - ۷۱، مرداد و شهریور ۱۳۷۲، صص ۶۴ - ۷۱.

ضدانقلابی‌های نیکاراگوئه به سوی قدرت باز کند ولی در مورد ایران مجبور شد رسوایی «ایران‌گیت» و التماس به ایران برای برقراری رابطه را بپذیرد. انقلابی‌های نیکاراگوئه نیز دوباره قدرت را در اختیار گرفتند.<sup>۱</sup>

۳. در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون از حزب دمکرات، «راهبرد مهار دوگانه آمریکا» - مهار ایران و عراق - به اجرا درآمد و وی برای ضربه‌زدن به ایران، کشور ما را در کنار عراق قرار داد.<sup>۲</sup> مهم‌ترین اهداف اعلام شده این راهبرد، تغییر در رفتار ایران در زمینه روند صلح خاورمیانه و عدم کمک به سازمان‌های فلسطینی و لبنانی مبارز، دست‌کشیدن از تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر و تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای و غیره بود. آمریکا در این زمان با تصویب قانون داماتو، اعلام کرد که شرکت‌هایی را که بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کنند، تحریم خواهد کرد. اما این راهبرد نیز که در نبرد علیه ایران انقلابی، شدیدتر از راهبرد قبلی بود، علی‌رغم برخی مشکلاتی که به‌ویژه در زمینه اعطای وام از نهادهای بین‌المللی برای کشور ما ایجاد کرد، راه به جایی نبرد و کلینتون آن را با خود برد.

۴. در دوره هشت‌ساله ریاست جمهوری جرج بوش از حزب جمهوری خواه آمریکا، وی از «راهبرد حمله پیش‌دستانه» سخن گفت و ایران را در به اصطلاح «محور شرارت» قرار داد و

۱. برای ملاحظه اقدامات آمریکا و ضدانقلابی‌های نیکاراگوئه و مشکلاتی که سبب کسب قدرت توسط ضدانقلابی‌های این کشور شد، رجوع کنید به: نیکاراگوئه انقلابی ساندنیست‌ها و علل شکست آنها (مجموعه مقالات)، ترجمه مریم خراسانی، تهران، دنیای مادر، ۱۳۷۱، صفحات مختلف؛ ویلیام رابینسون و کنت نورس ورثی، جنگ رؤیاهای، ترجمه رشیدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۶، صفحات مختلف؛ مصطفی ملکوتیان، انقلاب‌های متعارض معاصر، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، صص ۲۰۰ - ۲۰۴.

۲. برای ملاحظه سیاست مهار ایران و محدودیت‌ها و نتایج آن رجوع کنید به: مجتبی امیری، «ایران و آمریکا، نگاهی دیگر»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۵ - ۹۶، سال ۱۳۷۴؛ ابراهیم متقی، «دستورالعمل اجرایی کلینتون: مهار ایران یا دلیلی دیگر؟»، راهبرد، شماره ۶ بهار ۱۳۷۴؛ بررسی روابط ایران و ایالات متحده آمریکا: سیاست مهار دوجانبه و پیامدهایش، گزارش ویژه مرکز تحقیقات کنگره آمریکا، مجله سیاست خارجی، سال ۹، شماره ۱، ۱۳۷۴؛ ابراهیم متقی، محدودیت‌های آمریکا در روند دستیابی به تکنولوژی پیشرفته، مجله سیاست دفاعی، سال اول، شماره ۳ و ۴.

نبردهای افغانستان و عراق را با شعار «مبارزه با تروریسم» و با هدف ترساندن دولت‌های مخالف آمریکا که در آن زمان از ۲۲ دولت نام برده می‌شد و مهم‌ترین آنها جمهوری اسلامی ایران بود و زمینه‌سازی تبدیل نظام جهانی به یک نظام تک‌قطبی تحت سیطره آمریکا، آغاز کرد. هرچند او توانست با دادن هدایای زیاد به کشورهای مختلف، سه قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب برساند، اما این قطعنامه‌ها سودی در بر نداشتند و او در دوره ریاست جمهوری‌اش آن قدر مشکل و رسوایی برای آمریکا به بار آورد که همگان منتظر رفتن او از کاخ سفید و خلاصی از حکومت او بودند. او نیز شکست خورد و راهبرد خود را با خود برد و امروزه دیگر از نومحافظه‌کاران کاخ سفید به رهبری جرج بوش که شمشیر را از رو بسته و آشکارا از این که گزینه نظامی بر روی میز است سخن می‌گفتند، خبری نیست.

انقلاب اسلامی در سال‌های گذشته ثابت کرده است که پایدار و جاودانه است. به عکس، آمریکا و غرب را می‌بینیم که امروزه در بحران‌های شدید اقتصادی، سیاسی و نظامی از جمله در باتلاق‌های عراق و افغانستان گرفتار شده است.

### نتیجه

از دست دادن ایران و نتایج ناشی از این امر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی و پیشرفت‌های علمی - فناوری در ایران، غریبان را نسبت به آینده خود مردد و مشکوک ساخته و با گرفتن اعتماد به نفس از آنان، زنگ‌های خطر را برایشان به صدا در آورده است. آنان با فریب و نیرنگ، از خطر پیشرفت‌های تسلیحاتی ایران برای امنیت جهانی سخن می‌گویند و تلاش دارند با ترساندن دیگران، آنها را در مقابل ایران اسلامی قرار داده و با اعمال فشارهای گسترده، کشور ما را بر سر میز مذاکره به کوتاه‌آمدن در زمینه‌های مختلف وادار کنند. مخالفت‌های آنان با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نیز در همین راستا قابل بررسی است. اما تحولات ۳۱ سال گذشته نشان داده است که این تلاش‌ها محکوم به شکست است. انقلاب اسلامی توانسته است نقاب از چهره مزور غرب بردارد، کارنامه غرب - از جمله

استعمار و سلطه بر جهان سوم - را در جهان افشا کند و روابط مبتنی بر استقلال و عدالت بین‌المللی را به‌عنوان جایگزین این روابط ظالمانه معرفی کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

### الف) فارسی

۱. ارس، بولنت و کاه، عمر، «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌الله گولن»، ترجمه سید اسدالله اطهری، تهران، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۴ و شماره مسلسل ۳۲، زمستان ۱۳۸۱.
۲. آرنت، هانا، انقلاب، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.
۳. ازغندی، علیرضا، روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده)، تهران، قومس، ۱۳۷۶.
۴. امیر احمدی، هوشنگ، «جایگاه استراتژیک ایران در بازار جهانی نفت»، تهران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، روزنامه اطلاعات، ش ۹۷ - ۹۸، مهر و آبان ۱۳۷۴.
۵. امیری، مجتبی، «ایران و آمریکا، نگاهی دیگر»، تهران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، تهران، روزنامه اطلاعات، شماره ۹۵ - ۹۶، سال ۱۳۷۴.
۶. انقلاب نیکاراگوئه، ساندنیست‌ها و علل شکست آن‌ها (مجموعه مقالات)، ترجمه مریم خراسانی، تهران، دنیای مادر، ۱۳۷۱.
۷. «بررسی روابط ایران و ایالات متحده آمریکا: سیاست مهار دو جانبه و پیامدهایش»، گزارش ویژه مرکز تحقیقات کنگره آمریکا، تهران، مجله سیاست خارجی، وزارت امور خارجه، سال ۹، شماره ۱، ۱۳۷۴.
۸. بکویت، چارلی، نیروی دلتا، ترجمه رضا فاضل زرنندی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۹. بیل، جیمز، شیر و عقاب، ترجمه مهوش غلامی، تهران، کوبه، ۱۳۷۱.
۱۰. تائب، سعید، «ریشه‌های ناکامی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران»، مجموعه مقالات سمینار انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ج ۲، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۴.
۱۱. چندلر، رابرت. دبلیو، یورش‌های تبلیغاتی آمریکا در جنگ ویتنام، ترجمه مصطفی ملکوتیان، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا، *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*، تهران، سمت، ۱۳۷۱.
۱۳. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، *مجموعه مقالات سمینار بررسی خلیج فارس*، تهران، وزارت خارجه، ۱۳۶۸.
۱۴. رابینسون، ویلیام و نورس ورثی، *کنت، جنگ رؤیاها*، ترجمه رشیدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۶.
۱۵. لیمن، ویلیام و دیگران، «روابط پنهانی ایالات متحده و عربستان سعودی؛ اسلحه، نفت، عراق، ایران»، ترجمه بهمن همایون، تهران، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال هفتم، شماره ۷۱ - ۷۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۲.
۱۶. روزنامه‌های ۱۰ و ۱۱ دی ماه ۱۳۵۶.
۱۷. زونیس، ماروین، *شکست شاهانه*، ترجمه اسماعیل زند و بتول سعیدی، تهران، نشر نور، ۱۳۷۰.
۱۸. فونتن، آندره، *یک بستر و دو رؤیا*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲.
۱۹. *کودتای نوژه*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸.
۲۰. کیسینجر، هنری، *سیاست خارجی آمریکا*، ترجمه حسن محمدی‌نژاد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
۲۱. روزنامه کیهان، ۱۳۶۶/۱۲/۱۰.
۲۲. گازیوروسکی، مارک. ج.، *سیاست خارجی آمریکا و شاه*، ترجمه فریدون کاظمی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۲۳. مازندی، یوسف، *ایران ایر قدرت قرن؟*، به کوشش عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۳.
۲۴. متقی، ابراهیم، «دستورالعمل اجرایی کلیتون: مهار ایران یا دلیلی دیگر؟»، تهران، راهبرد، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۶، بهار ۱۳۷۴.

۲۵. \_\_\_\_\_، «محدودیت‌های آمریکا در روند دستیابی به تکنولوژی پیشرفته»، تهران، *مجله سیاست دفاعی*، پژوهشکده علوم دفاعی - استراتژیک، سال اول، شماره ۳ و ۴، بهار ۱۳۷۴.
۲۶. مجتهدزاده، پیروز، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، تهران، بی‌جا، ۱۳۷۲.
۲۷. محمدی، منوچهر، «علل و عوامل بروز جنگ تحمیلی»، تهران، *جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات)*، دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۷۳.
۲۸. مدنی، سید جلال‌الدین، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۲۹. ملکوتیان، مصطفی، *انقلاب‌های متعارض معاصر*، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۳۰. مهدوی، هوشنگ، *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی*، ۱۳۰۰ - ۱۳۵۷، تهران، البرز، ۱۳۷۴.

#### انگلیسی

۳۱. McLEAN, IAIN, *Oxford Concise Dictionary of Politics*, New York, Oxford University Press, ۱۹۹۶.
۳۲. Mossavar Rahmani, Shahin, *The Iranian Revolution and its Theoretical Implications*, Ann Arbor, U.M.I, ۱۹۸۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی